

ارزیابی سیاست‌های کیفی در برابر جرایم خشونت‌آمیز
از طریق تحلیل شاخص‌های کمی

• دکتر حسینعلی عطوف



چکیده

سیاست کیفری قضایی عبارت است از روش‌هایی که مراجع عدالت کیفری در فرایند اجرای عدالت در چارچوب مقررات، از طریق اختیارات قانونی و با توسل به نهادها و سازوکارهای کیفری برای مقابله با بزه‌کاری اتخاذ و اعمال می‌نمایند؛ ساماندهی علمی این سیاست‌ها و روزآمد کردن مستمر آن‌ها در ارتقای سطح نظام عدالت کیفری کشور به طور کلی و در مقابله با جرایم خشونت‌آمیز و کنترل نرخ رشد آن‌ها به طور خاص می‌تواند از موقعیتی ممتاز و کارایی و اثربخشی قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد. در این میان داده‌های آماری بنیادی‌ترین اصل برای برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزی اساسی‌ترین شاخص برای مدیریت قلمداد می‌گردد. در واقع توسعه بدون برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی بدون آمار و اطلاعات قابل تحقق نیست؛ این مهم وقتی قابل تحقق است که نگاه ما به آمار و اطلاعات و روش‌های گردآوری و تحلیل آنها نگاه جامعی باشد. ارزیابی سیاست کیفری کشور بر اساس شاخص‌های کمی آمار جنایی (طی سال‌های ۸۹ تا ۹۳)، حاکی از آن است که با وجود اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه و به‌رغم تشدید مجازات‌ها در مرحله قانون‌گذاری، برخی از گونه‌های جرایم خشونت‌آمیز نظیر ایراد ضرب و جرح، تهدید، تجاوز جنسی و سرقت‌های مسلحانه و مقرون به آزار دارای نرخ رشد ورودی اتهامی هستند. از سوی دیگر مقایسه بین ورودی پرونده‌های جرایم خشونت‌آمیز و قرارهای مجرمیت نشان‌دهنده آن است که اگر چه در برخی از این نوع جرایم همچون سرقت مسلحانه از بانک با رشد قابل توجهی مواجه بوده‌ایم لیکن در اکثر جرایم خشن همچون ضرب و جرح، سرقت، اخاذی، تجاوز جنسی و حتی قتل، آمارها رشد اندک قرارهای مجرمیت را نشان می‌دهد و برخی جرایم همچون سرقت مسلحانه از طلافروشی‌ها دارای کاهش قابل توجهی در صدور قرارهای مجرمیت است.

کلمات کلیدی: سیاست کیفری، شاخص کمی، آمار، خشونت، جرایم خشونت‌آمیز

• مقدمه:

ارزیابی عملکرد نظام قضایی در واکنش به پدیده مجرمانه، بدون توجه به موضوعات دخیل در آن، در عمل به نتایج شفاف و در نتیجه ارائه راه کارهای مؤثر در عمل منجر نمی شود؛ ارزیابی و سنجش سیاست های کیفری از اواسط دهه هشتاد میلادی، با ورود عباراتی مانند «کارایی»، «اثربخشی» و «هزینه - فایده» به تدریج به حوزه عدالت کیفری راه پیدا کرد و به یکی از دغدغه های اصلی محافل علمی و اجرایی تبدیل شد. بر این اساس ادبیات علوم جنایی تجربی از دهه هشتاد به بعد، نقطه آغاز مطالعات و تحقیقاتی شد که هدف اصلی آن ارزیابی میزان اثربخشی سیاست های کیفری بود. «ارزیابی» به مفهوم «سنجش میزان موفقیت و شکست و نیز اندازه گیری چگونگی دست یابی یا عدم دست یابی به اهداف یک برنامه یا اقدام» به کار برده می شود.^۱ در بررسی سیاست ها، هدف ارزیابی، کشف رابطه بین متغیرهاست. به عنوان مثال در ارزیابی جرایم خشن، رابطه بین یک سیاست خاص قضایی یا پلیسی در کنترل جرم، مورد سنجش واقع می شود. به عبارت دیگر در ارزیابی سیاست کیفری جرایم خشن، تحقیقات باید ما را به این نتیجه برساند که کدام سیاست و با چه هدف و کیفیت و تفصیل و نسبت به چه مجرمانی باید اجرا شود و تأثیر آن در کنترل جرم و یا اصلاح و بازپروری مجرم چه خواهد بود. با این نگاه، ارزیابی سیاست کیفری قضایی در برابر این نوع جرایم به معنی سنجش سیاست ها و عملکرد مراجع کیفری قضایی و نقش رویه قضایی در چگونگی درک و نحوه کاربرد خطوط ترسیمی قانون گذار و بخشنامه ها و دستورالعمل های قضایی در نتیجه سنجش دقیق تر دلیل و اثر این سیاست هاست.

شاخص های کمی شاخص هایی قابل اندازه گیری و به صورت عدد و رقم هستند؛ از آنجا که این نوع شاخص ها با مقایسه ارقام و سنجش آن ها در دوره های مختلف ارزیابی می شوند و ارزیابی ها با تحلیل آمار به دست می آید، لذا از جمله پرکاربردترین شاخص ها هستند.

در این مقاله در چارچوب موضوع سیاست کیفری در برابر جرایم خشونت آمیز، شاخص های کمی در حوزه «نرخ جرایم خشونت آمیز» مورد بررسی قرار می گیرند. در این خصوص از آمارهای مرتبط رسمی مرتبط با سیستم مدیریت پرونده (CMS^۲) مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، آمار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و آمار پزشکی قانونی استفاده شده است.

قابل ذکر است از آن جایی که حوزه آمار جنایی از جنبه های مختلف می تواند با تردید مواجه شود و در نتیجه نتایج ارزیابی های کمی را نیز با تردید و خطا مواجه کند، لذا توجه و بررسی این زمینه ها جهت سنجش میزان صحت نتایج ارزیابی ضروری است. در حوزه شاخص های کمی و آماری به دلیل برخی خلأهای جدی در گردآوری و ثبت آمار بایستی به آسیب ها و خلأهای آن آگاهی کافی داشت تا در قسمت تحلیل و نتیجه گیری از این آمار میزان احتمالات خطا در آمار نیز مورد توجه قرار گیرد.

۱. فرجیها، محمد، چالش های ارزیابی مجازات های اجتماع محور، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۳

۲. CASE MANAGEMENT SYSTEM

• تأثیر سیاست‌های کیفری بر نرخ جرایم خشونت‌آمیز

در این قسمت ضمن بیان آمار جنایی موجود در خصوص جرایم خشونت‌آمیز به توصیف و تحلیل برخی از آن‌ها می‌پردازیم. سعی شده است که آمار بر اساس مقایسه سال‌های مختلف صورت گیرد. از آن جاکه مقایسه نسبت کل جرایم خشن به کل جرایم نیز می‌تواند نشان دهنده میزان نسبی این نوع جرایم باشد، لذا به آمار کلی جرایم و اتهامات نیز اشاره می‌شود. قبل از ورود به بحث آمار رسمی دستگاه پلیسی و قضایی لازم است تا در خصوص سیاست‌های کیفری اتخاذی در برابر جرایم خشونت‌آمیز و میزان تأثیر آن‌ها بر نرخ آمار این نوع جرایم به نکاتی اشاره شود.

در سال‌های اخیر خصوصاً بعد از وقوع جرایم خشونت‌آمیز که افکار عمومی جامعه و رسانه‌های جمعی را تحت تأثیر خود قرار داده است، سیاست‌های پلیسی و قضایی مشخصی چه در گفتمان مقامات رسمی و چه در اعمال سیاست‌های کیفری حاکم بوده است. گفتمان اصلی مسئولان پلیسی و قضایی، واکنش سریع، سخت و شدید و صدور مجازات‌های سنگین و بدون اغماض در برابر جرایم خشونت‌آمیز بوده است. احراز افساد فی الارض و محاربه از اعمال ارتكابی خشونت‌آمیز، تأکید به قضات برای صدور قرارهای شدید و مجازات‌های سنگین همچون اعدام، اجرای علنی مجازات‌های سلب حیات، برخورد قاطع و سخت در مراحل تعقیب و بازداشت، تسریع در رسیدگی و اجرای قاطع مجازات‌ها و ... از جمله محورهای اصلی این‌گونه واکنش‌های رسمی بوده است.

در همین راستا تاکنون بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلفی (در سطح ملی و یا استانی) در رابطه نحوه برخورد شدید و قاطع با این نوع جرایم و تسریع در رسیدگی به آن‌ها از سوی مقامات عالی و یا استانی قضایی صادر شده است. در این‌گونه مقررات معمولاً جرایم خشنی همچون قتل عمد، تجاوزهای جنسی، سرقت‌های مسلحانه همواره جایگاه ثابتی داشته‌اند.

از دهه ۱۳۶۰ تاکنون نمونه‌هایی از این بخشنامه‌ها در برخورد با جرایم خشونت‌آمیز و نحوه رسیدگی به آن‌ها به چشم می‌خورد. مهم‌ترین شاخص‌های ذکر شده در این بخشنامه‌ها را می‌توان موارد زیر برشمرد:

- برخوردهای شدید و قاطع قضایی؛

- جنبه عمومی دادن به جرایم خشونت‌آمیز حتی پس از گذشت شاکه؛
- رسیدگی فوری و خارج از نوبت؛
- صدور قرارهای متناسب؛
- الزام به صدور قرار بازداشت؛
- تشدید مجازات‌ها؛
- عدم تأخیر در اجرای مجازات؛
- عدم اغماض و اجتناب از موارد مخففه مجازات همچون عفو، تعلیق و تخفیف مجازات؛
- ثبت دقیق سوابق مجرمان؛
- تشکیل کمیته‌های خاص در دادسراها و دادگاه‌ها جهت رسیدگی‌های سریع و ویژه؛

- نظارت دقیق توأم با سرعت در اجرای کلیه احکام؛
- نظارت بر آراء صادره از محاکم دادگستری از حیث انتقان، صحت استدلال و تناسب مجازات تعیین شده با جرم و وضعیت متهم؛
- رسیدگی به پرونده‌های جرایم خشن در مجتمع‌های قضایی و شعب ویژه؛
- توجه به سرعت، دقت و قاطعیت در رسیدگی؛
- انعکاس و اطلاع‌رسانی سریع به مقامات مافوق قضایی؛
- تأکید بر دفاع نماینده دادستانی برای دفاع از کیفرخواست؛
- تشکیل جلسات مشترک با نیروی انتظامی؛
- تشکیل شناسنامه اطلاعاتی مجرمان؛
- نگهداری این‌گونه مجرمان در بند‌های ویژه؛
- اجرای علنی مجازات‌ها؛

مهم‌ترین موضوعات این بخشنامه‌ها طی دهه‌های گذشته تا کنون به تفکیک سال بدین صورت بوده است:

برخورد قاطع با مزاحمت‌ها و اخاذی و تهدید به وسیله افراد شرور و یا تظاهر و قدرت‌نمایی با چاقو و اسلحه سرد و تعرض به اشخاص به علت جنبه عمومی داشتن این اعمال و اخلال در نظم و آرامش و آسایش عمومی، غیرقابل گذشت اعلام شدن آن در سال ۱۳۶۳، تأکید بر رسیدگی فوری و بدون تعیین وقت و خارج از نوبت جرایمی همچون قتل‌های فجیع، تهاجمات و یا سرقت‌های مسلحانه، ربودن اشخاص به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس به عنف که در جامعه ایجاد بلوا و آشوب یا وحشت یا اضطراب کرده و امنیت جامعه را مختل می‌کرد در سال ۱۳۶۹، تشدید مجازات، رسیدگی مستقل به جرایم شرارت و اخلال در نظم عمومی، اجتناب از ارفاق‌های قانونی نظیر تخفیف مجازات، پیشنهاد عفو، استفاده از عفو مشروط و تعلیق اجرای مجازات، ثبت دقیق سوابق افراد یاد شده و گزارش اقدامات عملی در پایان هر سال موضوع بخشنامه دیگری در سال ۱۳۷۵، برخورد قاطعانه و خودداری از هر نوع اعمال ارفاق و تأخیر در اجرای کیفر که تنبیه مجرمان خشنی همچون اقدامات افراد شرور و عناصر اوباش، اقدام علیه اعراض و نفوس و اموال و ایجاد هیاهو، جنجال یا حرکات خلاف شئون و غیرمتمعارف، بازداشتن افراد از کسب و کار، مزاحمت نسبت به زنان و اطفال، تظاهر و قدرت‌نمایی با چاقو و انواع اسلحه و همچنین جرایم افراد بدسابقه و شرور، تجمع‌کنندگان مزاحم در اماکن و معابر عمومی، مهاجمان مسلح، مرتکبان سرقت و شرارت و راهزنی، متمردان در برابر مأموران دولتی، توهین‌کنندگان به مقدسات و کلاگسانی که به نحوی از انحا با اقدام، الفاظ و حرکات خلاف شئون و متمعارف، موجب اخلال نظم و آسایش یا سلب امنیت و آرامش عمومی شده یا می‌شوند در سال ۱۳۷۹، برخورد قاطع با سالبان امنیت و مرتکبان جرایم مالی و جانی، و آسایش عمومی و مزاحمان و متجاوزان به عنف، گیرندگان اموال مردم به عنف، مهاجمان مسلح، اراذل و اوباش و افراد بدسابقه و شرور و اخذ تأمین کافی از آن‌ها در سال ۱۳۸۰ و تشکیل کمیته خاصی برای برخورد ویژه با جرایم خاص از جمله سرقت مسلحانه در دادستانی کل کشور و دادستانی‌های کشور در سال ۱۳۸۹ از این جمله‌اند.

همان‌گونه که از عناوین فوق مشخص است تقریباً تمامی سیاست‌های گذشته با رویکرد سزاگرایی و

برخوردهای قاطع و شدیدتر از سایر جرایم بوده است؛ این رویه در سال‌های گذشته نیز به نحوی ادامه داشته است: در سال ۱۳۸۹، حوزه ریاست قوه قضاییه طی بخشنامه شماره ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ ۹۰۰۰/۴۸۳۳۴/۱۰۰ در رؤسای کل دادگستری‌های استان پیرو بیانات ریاست قوه قضاییه در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶ در جمع رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور و تأکید بر این که مطالب و توصیه‌های مطروحه در جلسه به منزله بخشنامه به تمامی واحدهای قضایی است، متذکر شده است واحدهای قضایی سراسر کشور نتیجه اقدامات انجام شده در محورهای بخشنامه را حداکثر تا انتهای سال به حوزه ریاست منعکس نمایند؛ از جمله مهم‌ترین محورهای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«نظارت دقیق توأم با سرعت در اجرای کلیه احکام و هماهنگی با حوزه ریاست در رابطه با اجرای احکامی که مجازات آن‌ها اعدام، قصاص و قطع ید می‌باشد» و «نظارت بر آراء صادره از محاکم دادگستری از حیث اتقان، صحت استدلال و تناسب مجازات تعیین شده با جرم و وضعیت متهم، به خصوص در احکامی که براساس علم قاضی صادر می‌شود و همچنین نظارت بر پرونده‌هایی که واجد حساسیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است» و «اعمال مدیریت و نظارت موثر با هدف تحقق سرعت، دقت و قاطعیت در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به جرایم خاص مانند قتل عمد، تجاوز به عنف، به خصوص برخورد قاطع، قانونی و بازدارنده با کسانی که از طریق اخافه مردم با سلاح سرد و یا گرم ایجاد ناامنی می‌کنند»

در حوزه استانی نیز بخشنامه‌های مشابهی با محورهای یکسان به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه رئیس کل دادگستری استان تهران طی نامه‌ای در سال ۱۳۹۴ به همه رؤسای واحدهای قضایی سراسر استان در ۱۹ مورد (از جمله قتل عمد، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی، اعدام‌ها، پرونده‌های رسانه‌ای شده و ...) خواستار انعکاس و اطلاع سریع جرایم فوق همراه با خلاصه موضوع، مشخصات طرفین، تصمیم اولیه متخذه، انعکاس اجتماعی آن از طریق نمابر و تلفن به حوزه ریاست دادگستری استان شده و متذکر شده است در ادامه فرآیند دادرسی نیز حسب مورد در هر مرحله اعم از صدور کیفرخواست، صدور رأی بدوی، صدور دادنامه قطعی و اقدامات اجرایی نیز موارد بایستی گزارش گردد. دستورالعمل مقابله با شرارت در سال ۱۳۹۰ که توسط دادستانی تهران نیز ابلاغ شده است موارد مشابهی را در بر دارد. در این بخشنامه تأکید گردیده با توجه به تأثیر سوء برخی جرایم مثل تجاوز به عنف، سرقت‌های مسلحانه و شرارت‌ها بر احساسات عمومی افراد در جامعه، مقتضی است در مبارزه با این گونه جرایم اقدامات خاصی صورت گیرد. از جمله مهم‌ترین این اقدامات به قرار زیر است: «تمرکز این گونه پرونده‌ها در دادسرای شهید مقدسی، رسیدگی به جنبه عمومی جرم حتی پس از گذشت شاکی خصوصی در پرونده‌هایی که جنبه عمومی دارند مانند چاقوکشی‌ها، سرعت در رسیدگی، عدم اغماض، صدور قرارهای متناسب، اطلاع‌رسانی در این نوع پرونده‌ها، به صورت متمرکز در دادستانی تهران، دفاع نماینده دادستان از کیفرخواست در دادگاه، تشکیل جلسات با نیروی انتظامی در حوزه دادسرا، جهت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه، تشکیل شناسنامه اطلاعاتی توسط پلیس برای کلیه مجرمان خطرناک و افرادی که شرارت می‌کنند، نگه‌داری این گونه متهمان و محکومان در بندهای ویژه و با طبقه‌بندی لازم، اجرای سریع احکام صادره پس از قطعیت، توجه به آمار جرایم ارتکاب یافته به ویژه سرقت‌های بانندی و مسلحانه، جرح با چاقو، آدم‌ربایی، مزاحمت بانوان و کودک‌آزاری»

موارد فوق نشان از اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه و قاطع در برابر جرایم خشن در چند سال اخیر بوده است. می‌توان انتظار داشت که آثار و تبعات ادبیات قاطع و صریح مسئولین قضایی و پلیسی و همچنین صدور بخشنامه‌ها تا اندازه‌ای در آمار و نرخ جرایم نیز قابل مشاهده بوده که کاهش و یا ثبات نسبی جرایم و اتهامات در آمار رسمی قضایی خصوصاً در آمار اجرای احکام می‌تواند نشانی بر صحت ادعای فوق باشد^۱. لذا در ادامه به بررسی برخی از آمار رسمی قضایی و همچنین جمعیت کیفری می‌پردازیم.

با توجه به ملاحظات فوق در ادامه با بررسی آمارهایی که در دسترس پژوهشگر قرار داشته است وضعیت جرایم خشونت‌آمیز را از جهت رقم اتهامی و قراردادهای مجرمیت مورد توجه قرار می‌دهیم و در برخی از این آمار مقایسه‌ای بین آمار قضایی و پلیسی صورت می‌گیرد تا میزان تأثیر سیاست‌های کیفری در برابر جرایم خشونت‌آمیز بیشتر نمایان گردد.

• رقم اتهامی جرایم خشونت‌آمیز

برای ورود به بحث ارقام اتهامی کشور که شامل ورودی پرونده‌های اتهامی به دادسرا و دادگاه‌های کیفری است، ده عنوان اول پرونده‌های اتهامی کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ و جایگاه برخی از جرایم خشونت‌آمیز در آن قابل توجه است. در ۱۰ اتهام اول کشور طی سال‌های مذکور (به ترتیب بیشترین فراوانی به همراه درصد تغییر نسبت به سال قبل) اتهامات سرقت مستوجب تعزیر، ضرب و جرح عمدی و تهدید را شامل شده است.

ورودی تمامی ۱۰ اتهام اول کشور (شامل سرقت مستوجب تعزیر، ضرب و جرح عمدی، توهین، ایراد صدمه بدنی غیر عمدی، تهدید، تخریب، کلاه برداری، خیانت در امانت، نگهداری و مالکیت مواد مخدر و مزاحمت تلفنی) در طول چند سال مذکور روند افزایشی داشته‌اند. جایگاه جرایم خشونت‌آمیز در این لیست با عناوینی همچون ضرب و جرح عمدی، توهین و تهدید، بسیار قابل توجه است. در ۱۰ عنوان برتر پرونده‌های اتهامی کشور در طی این سال‌ها، ۳ عنوان از جمله جرایم خشن هستند که طی سال‌های ۹۲ تا ۹۳، ضرب و جرح با ۱۰/۲۳، توهین با ۲۱/۶۹ و تهدید با ۱۸/۱۹ درصد افزایش در رده‌های دوم، سوم و چهارم جرایم کشور هستند. اتهام‌های سرقت مستوجب تعزیر و ضرب و جرح عمدی با فاصله زیادی نسبت به دیگر عناوین اتهامی

۱. در سال‌های اخیر سیاست‌های پلیسی نیز همواره در کنار سیاست‌های قضایی به نحوی مکمل رویه برخورد شدید با جرایم خشن بوده است؛ اگر چه این سیاست‌ها در موضوع این پژوهش نمی‌گنجد لیکن تأثیر احتمالی آن‌ها در کنار سیاست‌های قضایی در آمار جرایم غیر قابل انکار است؛ چرا که معمولاً سیاست‌های پلیسی در برابر جرایم خشونت‌آمیز مشابه سیاست‌های قضایی و از شدت و قاطعیت برخوردار بوده و در راستای کنترل و یا پیشگیری از این نوع جرایم است. لذا نمی‌توان در تحلیل و بررسی تأثیر سیاست‌های پلیسی را در تحلیل‌های آماری دور داشت. به عنوان مثال در مهرماه سال ۱۳۹۴ فرماندهی پلیس آگاهی با هماهنگی دادرسی عمومی و انقلاب تهران، با ارسال نامه‌ای، کلاتری‌ها و آگاهی را دارای سطح بندی جرایم کرده است. به نحوی که در برخی از جرایم مهم و یا مرتبط با آن‌ها همچون کشف جسد، کیف‌قاپی و جیب‌بری، سرقت، آتش‌سوزی عمدی را ظرف ۲۴ ساعت به پلیس آگاهی ارسال نمایند. بخش تجسس واحدهای انتظامی که به سامانه جامع پلیس آگاهی مرتبط می‌شوند بایستی اطلاعات اولیه پرونده‌ها را در این سامانه درج و سپس پرونده اولیه، مدارک و مستندات و متهمین را به پلیس آگاهی ارسال و اعزام نمایند. واحدهای اجرایی پلیس آگاهی نیز، بازخورد پرونده‌هایی را که از سوی واحدهای انتظامی برای آن‌ها ارسال می‌شود را به صورت ماهیانه در قالب فرم مشخصی تکمیل نموده و برای بهره‌برداری توسط واحد تجسس ارسال می‌نمایند تا ثبت و نگهداری گردد. تشکیل قرارگاه سرقت توسط پلیس از ابتدای سال ۱۳۹۳ برای مقابله با سرقت‌ها نیز از جمله اقدامات قابل ذکر در چند سال اخیر بوده که بارها نتایج آن مورد استناد پلیس قرار گرفته است.

قرار دارند؛ به طوری که سرقت مستوجب تعزیر ۱۳ درصد و ضرب و جرح عادی ۹ درصد از کل پرونده‌های اتهامی سال ۹۳ را به خود اختصاص داده‌اند که با محاسبه سرقت‌هایی که به هر دلیل گزارش نمی‌شوند، رقم بسیار بالایی را نشان می‌دهد. در این آمار نیز جرایم ضرب و جرح و توهین و تهدید جایگاه قابل توجهی دارند. سهم بزرگی از پرونده‌های اتهامی کشور در سال ۱۳۹۳ (۳۹ درصد) مربوط به ۵ عنوان سرقت مستوجب تعزیر، ضرب و جرح عمدی، توهین به اشخاص عادی، ایراد صدمه بدنی غیر عمدی و تهدید است. ۵۳ درصد از کل اتهامات کشور در سال ۹۳ مربوط به ۱۰ اتهام اول کشور است و مابقی عناوین اتهامی تنها ۴۷ درصد از پرونده‌ها را تشکیل می‌دهند.

در آمارهای موجود جرم ضرب و جرح، این تقریباً در همه استان‌های کشور از جمله اتهام‌های اول استان است. نمودارهای ذیل، ورودی اتهام ضرب و جرح و تهدید به عنوان دو نمونه از جرایم خشن را در استان‌های کشور به صورت نرخ جمعیتی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت استان نشان می‌دهند. این نمودارها با توجه به اینکه نسبت به جمعیت استان‌ها محاسبه و رسم شده‌اند، مقایسه دقیق و مناسبی از وضعیت دو اتهام ضرب و جرح و تهدید در استان‌ها ارائه می‌دهند.

پراکندگی اتهام ضرب و جرح عمدی در استان‌های کشور تقریباً مشابه است به طوری که ۱۵ استان نرخ جمعیتی بیشتر از نرخ کشوری (۶۴۲) و ۱۶ استان نیز نرخ کمی‌تر از نرخ کشوری دارند. با این وجود ورودی این جرم در اکثر استان‌ها در صدر آمار ورودی پرونده‌های کیفری قرار دارد.

آمار ضرب و جرح و تهدید در حالی در ردیف‌های اول اتهامی کشور قرار دارد که جرایم خشونت آمیز دیگری همچون اخاذی و یا تجاوز به عنف نرخ ورودی متفاوتی را نسبت به آن‌ها نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۹۱ در حالی که ضرب و جرح دارای بیش از ۴۳۰ هزار ورودی پرونده بوده است، اخاذی حدود ۱۲۴۰۰ پرونده ورودی را نشان می‌دهد و یا در سال ۹۳ نیز در حالی که ورودی پرونده‌های ضرب و جرح افزایش بیش از ۷۰ هزار پرونده را نسبت به سال ۹۱ ثبت کرده، جرم اخاذی میزان افزایش حدود ۲۰۰ پرونده را داشته است. در تجاوز به عنف نیز آمار رسمی قضایی در سال ۹۱ بیش از ۵۳۰۰ و در سال ۹۳ با افزایش ورودی ۱۰۰۰ پرونده، این رقم به حدود ۶۲۰۰ ورودی رسیده است.

با مقایسه این ارقام از سال‌های ۹۱ تا ۹۳ مشاهده می‌شود که تنها برخی از جرایم خشونت آمیز مانند تهدید و ضرب و جرح در سال‌های اخیر دارای ورودی پرونده‌های اتهامی و افزایش سالانه قابل توجه بوده که در لیست ۱۰ اتهام بالای کشور قرار گرفته‌اند.

در خصوص نرخ جمعیتی تهدید در سال ۹۳ نیز در استان‌های کشور، ۱۳ استان در سال ۹۳ نرخ جمعیتی کمتری نسبت به نرخ متوسط کشوری و ۱۸ استان دیگر نرخ بالاتری دارند.

آمار ورودی اتهامی برخی از جرایم مانند ضرب و جرح با رقم بالای ورودی بالای ۴۰۰ هزار پرونده در سال‌های اخیر همواره با افزایش مواجه بوده به صورتی که آمار ورودی پرونده‌های این جرم از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، رشد ۱۵ درصدی داشته است. وضعیت جرم تهدید نیز مشابه ضرب و جرح است. این جرم از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ با ورودی بالای ۲۰۰ هزار پرونده، رشد ۳۰ درصد را نشان می‌دهد.

آمار فوق در حالی است که در سال‌های اخیر برخی سیاست‌های کیفری در برابر جرایم خشن درگفتمان

مسئولان قضایی نیز متجلی بوده است. در اواخر سال ۱۳۸۹ قوه قضاییه در بخشنامه‌ای به روسای دادگستری سراسر کشور دستور داد که بر پرونده‌هایی که واجد حساسیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است نظارت ویژه داشته و به پرونده‌های مربوط به جرایم خاص مانند قتل عمد، تجاوز به عنف با هدف تحقق سرعت، دقت و قاطعیت در رسیدگی، برخورد قاطع، قانونی و بازدارنده با کسانی که از طریق اخافه مردم با سلاح سرد و یا گرم ایجاد ناامنی می‌کنند داشته باشند. در همین سال در دادستانی کل کشور و کلیه دادستانی‌های کشور کمیته خاصی برای برخورد ویژه با جرایم خاص از جمله سرقت مسلحانه تشکیل شد. همزمان با این ابلاغ این سیاست‌ها، گفتمان قضایی و پلیسی نیز در این خصوص کاملاً همگام با مفاد این بخشنامه‌ها بوده است. برخورد قاطع، سخت و اجرای مجازات‌های علنی و هم‌سانی این نوع جرایم به عنوانین محاربه و افساد همواره در ادبیات و گفتمان مسئولان سیاست کیفری به چشم می‌خورد که در فصل بعد برخی از آن‌ها نقل شده‌اند.

در چند سال اخیر نیز اخبار وقوع چند زورگیری منجر به واکنش شدید دستگاه قضا شد به نحوی که رئیس قوه قضائیه ابتدای سال ۱۳۹۳ این چنین اظهار داشته‌اند:

«در جرایمی چون سرقت‌ها و به خصوص سرقت‌های مسلحانه و متعرضین به نوامیس مردم، قاچاقچیان، فروشندگان و حمل‌کنندگان مواد مخدر، ما تأکید زیادی در برخورد داریم. برخورد باید بسیار شدید باشد و برخورد قاطعانه باشد؛ باید با افرادی که سلاح کشیده بودند برخورد شود؛ چرا که حکم محارب را دارند و البته محارب چند جور است و البته ما به قضات سفارش کرده‌ایم شدیدترین مجازات را انتخاب کنند. ما نباید مجال بدهییم و باید فضا را تنگ کنیم. برخی از ارگان‌ها به برخورد قاطعانه قوه تشکیک کرده‌اند؛ اما من با اطمینان خاطر می‌گویم کسانی که اسلحه بکشند مسلماً محارب‌اند و اعدام‌آن‌ها هیچ اشکالی ندارد؛ البته باید رسیدگی عادلانه صورت گیرد و قضات با صلاحیت رسیدگی کنند و ببینند که سرقت مسلحانه بوده و فرد محارب است یا نه؛ یکی از نکاتی که روسای دادگستری نیز بر آن تأکید دارند، رسیدگی قاطع و سریع است و من کاملاً از سرعت و قاطعیت در برخورد دفاع می‌کنم و اگر کوتاهی شده مسلماً گمبود امکانات است؛ چرا که این برنامه، استراتژی قوه قضاییه است؛ امنیت اجتماعی روانی مردم مهم است و سرقت مسلحانه برای مردم دلهره ایجاد می‌کند؛ در بحث قصاص و اجرای حدود، ما نباید کوتاهی کنیم و از بحث حقوق بشر نیز هیچ ابایی نداریم»؛

اعلام سیاست‌های کیفری سریع و قاطع توسط عالی‌ترین مقامات دستگاه قضایی و پلیس لزوماً به معنای کاهش ورودی‌های برخی از جرایم مانند قتل، ضرب و جرح، توهین و برخی از انواع سرقت‌ها نیست و چه بسا به واسطه وجود متغیرهای مختلف در این خصوص با افزایش آمار ورودی نیز روبه‌رو باشیم. در برخی از جرایم شدید خشونت‌آمیز نیز کم و بیش همین رویه حاکم است. برای نمونه می‌توان به جرم اسیدپاشی اشاره کرد:

رقم جرم اسیدپاشی اگرچه در میزان ورودی پرونده نسبت به سایر جرایم خشن، رقم بسیار کمتری را نشان می‌دهد، لیکن در پرونده‌های ورودی اتهامی در سال‌های اخیر دارای روند روبه‌رشدی بوده است. استفاده از اسید در نزاع‌ها و انتقام‌گیری‌ها در سال‌های اخیر رو به فزونی گذاشته به صورتی که حتی در بین

۱. مصاحبه ریاست قوه قضاییه با گفتگوی ویژه خبری تلویزیون، مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۹، خبرگزاری فارس به نشانی:

۱۳۹۳۰۳۳۰۰۰۰۰۷=HTTP://WWW.FARSNEWS.COM/NEWTEXT.PHP?NN

افشار تحصیل کرده جامعه نیز مواردی از انتقام جویی با اسید به چشم می خورد^۱. روند فزونی آمار پرونده های اتهامی اسیدپاشی در سه سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ از ۲۵۳ پرونده اتهامی به ۵۲۰ پرونده، ایراد صدمه بدنی ناشی از اسیدپاشی از ۷۱ به ۱۳۰ پرونده، شروع به پاشیدن اسید از ۱۰ پرونده به ۲۶ پرونده و قتل عمد ناشی از پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیب شیمیایی دیگر از ۳ پرونده به ۶ پرونده افزایش داشته است. همان گونه که ملاحظه می شود از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ طبق آمار رسمی قوه قضاییه در جرایم اسیدپاشی، شروع به پاشیدن اسید و قتل عمد ناشی از آن رقم ورودی ها بیش از دو برابر افزایش داشته و ورودی پرونده ها در ایراد صدمه بدنی ناشی از اسیدپاشی نیز نزدیک به همین رقم با افزایش مواجه بوده است.

در خصوص مجازات قصاص برای اسیدپاشی در رویه قضایی در ایران رویکرد دوگانه ای وجود دارد: از یک سو، ماده واحده اسیدپاشی سال ۱۳۳۷ با جرم انگاری خاص اسیدپاشی، به جنبه عمومی جرم پرداخته و جبران خسارت را مطرح نکرده است. این ماده مقرر می کند: هر کس عمدی با پاشیدن اسید یا هر ترکیب شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی شود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد، به حبس جنایی درجه ۱ و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادگی عضوی از اعضا شود به حبس جنایی درجه ۲ از ۲ سال تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه ی دیگری شود، به حبس جنایی درجه ۲ از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد. از سوی دیگر، بعد از انقلاب اسلامی و با تصویب قوانین کیفری مبتنی بر شرع، قانون مجازات اسلامی، قصاص و دیه را برای جرح عمدی قرار داده است؛ موضوعی که در مرحله قصاص در سال های اخیر همواره با چالش عدم امکان قصاص با اسید روبه رو بوده و علی رغم اصرار بزه دیدگان امکان قصاص را منتفی می ساخته است.

به رغم وجود تقاضای قصاص در اکثر پرونده های اسیدپاشی، به دلایل مختلف ممکن است این تقاضا تبدیل به دیه گردد. عدم توجه به وضعیت پرونده و متهم و تقاضای وی، سپردن فشار تصمیم گیری در خصوص قصاص یا عدم قصاص به بزه دیده، عدم دسترسی کامل به وکیل به عنوان مشاور متخصص و آگاه به مراحل دادرسی، عدم آگاهی کامل نسبت به تبعات تصمیمات و به تبع آن، گاه مشاوره های خارج از ضوابط تعریف شده و حتی مغایر با وظایف و اختیارات مقامات که گاه منجر به تغییر سرنوشت پرونده می شود، عدم راهنمایی صحیح شاکی برای تقاضای صحیح نحوه قصاص یا اعضایی که می تواند قصاص کند و یا دیه بگیرد و همچنین جبران کامل خسارات وارده از جمله دلایلی است که قصاص را در پرونده های اسیدپاشی منتفی و گاه با عدم جبران کامل خسارات موجب نارضایتی شاکیان را فراهم آورده است. به طور قطع عدم آگاهی نسبت به تبعات تصمیمات، گاه حق فرد را ضایع کرده و او را دچار خسارت می کند.

در خصوص تعیین نوع مجازات نتیجه معاینه ها و نظریه های پزشکان قانونی، مبنای حکم قاضی در تعیین میزان دیه و ارش و حتی قصاص است؛ همین امر، اهمیت غیرقابل انکار نقش این سازمان و کارکنان و افراد مرتبط با آن را بیان می دارد. نظریه پزشکی قانونی بعد از طی مراحل متعدد معاینه ها و آزمایش، به صورت محرمانه و پلمپ شده در اختیار مقام درخواست کننده قرار می گیرد. در مصاحبه با قضات، آن ها

۱. به عنوان نمونه می توان به اسیدپاشی به رئیس بیمارستان ضیاییان تهران با انگیزه اختلافات صنفی در آذرماه ۱۳۹۳ اشاره کرد. به نشانی:

اظهار می‌کردند که این نامه‌ها به دلیل اعتماد به مقام ارسال‌کننده، نوعی اماره برای قاضی محسوب شده و سندیت دارند؛ تا جایی که مبنای حکم قرار می‌گیرند. در اغلب موارد حتی کوچک‌ترین تغییری نیز در میزان آسیب‌های وارد شده صورت نمی‌گیرد. این نقش مهم در پرونده‌های بزه‌دیدگان اسیدپاشی به وضوح به چشم می‌خورد و به ندرت می‌توان آرای مخالف با نظریه پزشکی در این خصوص را یافت.

این درحالی است که اصل جبران خسارت امری است که در کشورهای مختلف مورد توجه واقع شده است. در این زمینه می‌توان به توجه برخی کشورهای آسیایی همچون افغانستان، هند، بنگلادش و پاکستان اشاره کرد. با بررسی قوانین کشورها، جدیت آن‌ها در جرم‌انگاری اسیدپاشی و تعیین کیفرهای شدید نمایان می‌شود. این قوانین، تنها به مجازات مرتکب نپرداخته‌اند و نیازهای بزه‌دیدگان و تأمین آن‌ها را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. جبران خسارت در این قوانین در درجه‌ی اول برعهده‌ی دولت نهاده شده است. البته در این زمینه کشورهای ایران و افغانستان، در ابتدا بزه‌کار را بر اساس مسئولیت شخصی، موظف به جبران خسارت دانسته‌اند.^۱ در زمینه جبران خسارت اسیدپاشی در ایران اگرچه قانون خاصی وجود ندارد اما قوانین پراکنده‌ای در مورد جبران خسارت بزه‌دیدگان به تصویب رسیده است که از آن جمله می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد؛ به موجب ماده ۱۴ این قانون: «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند» که در تبصره ۱ ماده مذکور زیان معنوی، صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی تعریف شده است. اگرچه در موارد متعددی، به حق شاک می‌تواند در مطالبه و دریافت ضرر و زیان و خسارات وارده ناشی از جرم پرداخته شده است اما در خصوص جبران دولتی خسارت، مقررهای به چشم نمی‌خورد.

با این وجود در سال‌های اخیر موضوع امکان قصاص چشم با اسید از سوی پزشکی قانونی و دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته است؛ لیکن تاکنون به دلایل مختلف از جمله گذشت شاک می‌تواند به اجرا در نیامده است. به رغم اصرار بزه‌دیدگان اسیدپاشی و قضات بر اجرای حکم قصاص، حوادثی از قبیل حادثه اسیدپاشی اصفهان یا حوادث متعدد گزارش شده در سال‌های اخیر نشان‌گر عدم کنترل این جرم با اعمال سیاست‌های پلیسی و قضایی بوده است به صورتی که در سال ۹۴ در واکنش به حوادث اسیدپاشی مجلس واکنش سریعی نشان داد و به واسطه عدم تأثیرگذاری قوانین موجود و عدم پاسخ سیاست‌های اعمالی، لایحه جدیدی را در این رابطه مطرح کرد. گفتمان مسئولان قضایی نیز در این سال‌ها در خصوص پرونده‌های اسیدپاشی خصوصاً هنگامی که موضوع افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد شدید بوده است. دولت نیز در این زمینه از طریق معاونت حقوقی خود به مسأله تشدید مجازات و برخورد با جرم اسیدپاشی ورود کرده و در سال ۹۳ با قوه قضاییه و مجلس برای تشدید مجازات جرم اسیدپاشی و تسری این اقدام به مجازات افساد فی الارض همکاری کرده و با نظر موافق این روند را تسریع نموده است.^۲

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: محمودی، افسانه، حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲

۲. سایت ستاد حقوق بشر قوه قضاییه به نشانی:

ASPX.۴۲۷۵۳-HTTP://WWW.HUMANRIGHTS-IRAN.IR/NEWS

• رقم مجرمیت جرایم خشونت آمیز

از آنجا که آمار پرونده های ورودی دادسرا به واسطه جنبه اتهامی آن، نمی تواند ملاک نرخ وقوع جرم باشد و ممکن است در مراحل بعدی به قرارهای موقوفی تعقیب، منع تعقیب و یا برائت منجر شود، لذا در برآورد میزان واقعی نرخ رسمی جرم می توان از تعداد ورودی پرونده های اجرای احکام کیفری دادگستری استفاده کرد.

یکی از مواردی که در این جدول در خصوص جرایم خشونت آمیز قابل توجه است، وجود آمار قصاص در حوزه شعبه اجرای احکام است. رقم احکام قصاص که در رابطه با جرایم عمدی علیه تمامیت جسمی اشخاص (عضو و نفس) مانند قتل عمد و ضرب و جرح صورت می گیرد در سال ۱۳۹۱، ۱۳۴۰ مورد را نشان می دهد که این میزان در سال ۹۲، بیش از ۲۲ درصد افزایش داشته است. با وجود حکم سنگین قصاص نفس در قبال جرم قتل عمد در سال های اخیر روند صدور حکم قصاص نه تنها کاهش نداشته بلکه روند صعودی آن به صورتی بوده است که این رقم در سال ۱۳۹۳، به ۱۴۸۸ مورد اجرای حکم رسیده است؛ به عبارت دیگر صدور حکم قصاص از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، حدود ۱۱ درصد افزایش را نشان می دهد. البته باید به این نکته توجه داشت که به نظر می رسد صدور حکم قصاص به معنای اجرای آن نبوده و به دلیل در دسترس نبودن آمار اجرای احکام قصاص نمی توان تحلیل کاملی از این روند داشت.

در بحث ورودی های اتهامی و قرارهای مجرمیت جرایم خشونت آمیز و مقایسه آنها در کنار سیاست های قضایی، در ادامه با دسته بندی جرایم به جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه اموال و جرایم علیه منافی عفت برخی از مهمترین این جرایم را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) رقم جرایم علیه تمامیت جسمانی

در خصوص رقم جرایم علیه تمامیت جسمانی، آمارهای پزشکی قانونی مربوط به مرگ های غیر طبیعی (قتل) سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ قابل توجه است. آمار سازمان پزشکی قانونی در زمینه مرگ های غیر طبیعی و معاینه های جنسی، ضرب و جرح به دلیل آن که فارغ از انتساب جرم به متهم به ارائه آمار می پردازد و امکان ثبت چندین باره را ندارد، دقیق تر از آمار رسمی قوه قضاییه و دیگر سازمان ها است. به عبارت دیگر آمار پزشکی قانونی و سازمان زندان ها از جمله معتبرترین آمارهای رسمی کشور شناخته می شوند؛ چراکه اولاً ثبت آمار توسط کارشناسان مرتبط صورت می گیرد و ثانیاً با توجه به وضعیت مصدومین و مقتولین در پزشکی قانونی و یا زندانیان در زندان ها امکان ثبت چندین باره آمار بر خلاف آن چه در سیستم مدیریت پرونده دستگاه قضایی صورت می گیرد بسیار اندک است. هرچند این آمار چون در عناوین مجرمانه انطباق اندکی با آمار ناجا و دستگاه قضایی دارد تأمین کننده همه نیاز پژوهش گران نیست.

در آمار پزشکی قانونی، دیگرکشی بخش عمده ای از آمار به قتل با سلاح گرم و سلاح سرد اختصاص دارد و تنها در این موارد است که وسیله ارتکاب جرم به صورت مشخص قابل احصاء و تعریف معین است و در باقی موارد اعم از قتل از طریق جسم سخت یا خفه کردن یا مسمومیت امکان ارتکاب آن با هر شیء وجود دارد؛ اما

سلاح سرد و گرم قابل تشخیص و تعریف قانونی است^۱ که همه این موارد جرم از موارد خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. طبق آمار پزشکی قانونی میزان قتل با سلاح گرم در همه سال‌های اخیر بیش از قتل با سلاح سرد است که در برخی از سال‌ها مانند سال ۱۳۹۲ نزدیک به دو برابر است. در این سال در حالی که پرونده‌های سلاح سرد ۶۶۶ مورد است، آمار سلاح گرم در دیگرکشی عدد ۱۱۲۷ را نشان می‌دهد. از طرف دیگر در حالی که آمار مربوط به دیگرکشی با سلاح گرم دارای آمار نسبتاً ثابتی است ولی دیگرکشی با سلاح سرد رشد و کاهش و نوسان داشته است. قابل توجه است که طی ۵ سال (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳) قتل از طریق سلاح سرد از ۱۲۳۲ پرونده به ۱۰۸۱ پرونده و قتل از طریق سلاح سرد از ۹۰ پرونده به ۶۴۲ پرونده سیر نزولی داشته است. طی همین سال‌ها، قتل از راه خفه کردن از ۱۹۹ پرونده به ۲۰۳ پرونده و قتل از راه جسم سخت از ۱۷۸ پرونده به ۲۸۴ پرونده افزایش داشته است.

در خصوص کنترل آمار قتل و ضرب و جرح و همچنین نزاع‌ها استفاده از سلاح گرم و سرد، از آن جا که حمل و استفاده از سلاح احتمال وقوع این‌گونه جرایم را افزایش می‌دهد، در سال‌های گذشته سیاست‌های مختلفی از جمله جرم‌انگاری‌های متعدد کیفری به عنوان جرم «مانع یا بازدارنده» به خصوص در طرح‌های قانونی جهت کنترل استفاده از سلاح مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۰ و در ماده ۲ طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت بار، متن ذیل به عنوان ماده ۶۱۷ مکرر به قانون مجازات اسلامی الحاق شده بود: «واردات، تولید، عرضه، فروش و حمل همه ادواتی که نوعاً به منظور ضرب و جرح مورد استفاده قرار می‌گیرد، از قبیل شمشیر، قمه، خنجر، دشنه، چاقوی ضامن‌دار، پنجه بوکس و زنجیر مخصوص نزاع ممنوع است و مرتکب به ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال و یا هر دو مجازات محکوم می‌شود»

در سال ۱۳۹۱ نیز در ماده ۱ طرح ممنوعیت به کارگیری سلاح سرد و تشدید مبارزه با جرایم خشونت بار، مفاد مشابه طرح قبل تکرار شده است: «تولید به جز برای صادرات، ورود، عرضه، خرید و فروش و حمل شمشیر، قمه، خنجر، دشنه، چاقوی ضامن‌دار، پنجه بوکس، زنجیر مخصوص نزاع و سایر ادواتی که نوعاً به منظور ضرب و جرح مورد استفاده قرار می‌گیرد ممنوع است و مرتکب به نود و یک روز تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا سی میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود»؛ علی‌رغم عدم تصویب

۱. قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۲): ماده ۱- تبصره زیر به بند (۳) ماده (۶۵۱) الحاق می‌گردد: تبصره - منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک
- ۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس
- ۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آن‌ها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ
- ۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی؛ و همچنین قانون «مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز» (مصوب ۱۳۹۰/۶/۷): ماده ۱۰. قاچاق سلاح، مهمات، اقسام و مواد تحت کنترل عبارت از وارد کردن آن‌ها به کشور و یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به طور غیرمجاز است. ماده ۲. مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیرگلوله‌زنی و مهمات مربوط به آن‌ها است. تبصره. اسلحه لیزری و آن دسته از شبه‌سلاح‌هایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار می‌گیرند و سلاح‌های آموزشی و بیهوش‌کننده تابع احکام سلاح شکاری می‌باشند.

طرح‌های فوق در مجلس شورای اسلامی لیکن در ادوار دیگر مجلس نیز نمایندگان همچنان در خصوص جرم انگاری جدید در این موضوع مصر هستند به صورتی که در دوره جدید مجلس و در طرحی دیگر در شهریور ماه ۱۳۹۵ مجدداً طرح مشابهی در مجلس وصول شد که طی آن مقرر شده بود دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (فصل پنجم، بخش تعزیرات)^۱ اضافه گردد که سرانجام طرح مذکور در نشست علنی ۳ آبان ماه ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی» به شرح زیر به تصویب رسید:

«حمل ادواتی مانند قمه، شمشیر، چاقوی ضامن دار، ساطور، غداره یا پنجه بوکس که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح به کار برده می‌شود، جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه ششم محکوم و حسب مورد این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معدوم می‌شود»

در این خصوص آمار ورودی و مجرمیت پرونده‌های ضرب و جرح عمدی نیز از دیگر آمارهای مهم در جرایم خشونت‌آمیز است. در سال ۱۳۹۱، ۲۵ درصد از ورودی پرونده‌های ضرب و جرح عمدی منجر به صدور قرار مجرمیت شده‌اند. این رقم در سال ۱۳۹۲ برابر با ۲۳ درصد و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۲۲ درصد بوده است که نشان دهنده کاهش درصد صدور قرارهای مجرمیت برای این اتهام است.

ورودی اتهام ضرب و جرح عمدی بیش از دو برابر قرارهای مجرمیت آن است که با توجه به نوع و نحوه ارتکاب جرم ضرب و جرح کاهش این تعداد نمی‌تواند ناشی از قرارهای منع تعقیب صادره به دلیل جرم نبودن عمل انتسابی و یا فقدان دلایل کافی باشد؛ عاملی که می‌تواند در کاهش قرار مجرمیت در جرم ضرب و جرح عمدی تأثیرگذار باشد، گذشت شاکی خصوصی و مختومه شدن پرونده و یا تغییر عنوان جرم ضرب و جرح عمدی به دیگر جرایم همچون قتل است. به طوری که در طی روند رسیدگی با سرایت جراحات در مواردی امکان تبدیل پرونده از ضرب و جرح به قتل وجود دارد. به علاوه در مواردی به دلیل آنکه در جرم ضرب و جرح با دیگر جرایم همراه می‌گردد با ادغام پرونده با جرایم مهم‌تر احتمال آن که در ثبت پرونده عناوین مشدده تری از جرم ضرب و جرح عمدی ثبت گردد وجود دارد. این تغییر به شکلی است که در سال ۱۳۹۳، از بیش از پانصد هزار ورودی پرونده‌ای که در قوه قضاییه ثبت شده تنها نزدیک به صد و یازده هزار قرار مجرمیت به این عنوان در آمار دیده می‌شود. باید خاطر نشان کرد که آمار پرونده‌های مختومه در سال ۱۳۷۵، ۲۳۶، ۸۴۵ پرونده بوده است. بیشترین آمار در سال‌های اخیر مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ با ۹۳۷، ۴۰۴ و ۱۳۸۷ با ۳۰۱، ۱۰۸ پرونده بوده است^۲ که در سال‌های اخیر بر اساس آمارهای رسمی قوه قضاییه این آمار سیر نزولی داشته است.

۱. ماده ۶۱۷- هرکس به وسیله‌ی چاقو و یا هر نوع اسلحه‌ی دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۲. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران، به نقل از معظمی، شهلا، خشونت اجتماعی و قتل در گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۸)، موسسه رحمان، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۱۸

عنوان	۹۱	۹۲	درصد تغییر ۹۱-۹۲	۹۳	درصد تغییر ۹۲-۹۳
ورودی اتهام	۴۰۰۱۰۳	۴۵۸۴۵۶	۱۴,۵۸	۵۰۰۱۸۴	۹,۱۰
نرخ جمعیتی (در هر ۱۰۰ هزار نفر)	۵۲۶	۵۹۶	۱۳,۲۴	۶۴۲	۷,۸۲
قرار مجرمیت	۱۰۰۷۵۲	۱۰۶۷۱۲	۵,۹۲	۱۱۱۸۳۱	۴,۸۰
نرخ جمعیتی (در هر ۱۰۰ هزار نفر)	۱۳۳	۱۳۹	۴,۶۷	۱۴۴	۳,۵۷

آمار قضایی ضرب و جرح عمدی

در جرایم ضرب و جرح و نزاع‌ها- خصوصاً نزاع‌های لحظه‌ای و بدون سبق تصمیم مجرمانه- عوامل مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی، ضعف سیستم امنیتی، افزایش جمعیت، مهاجرت و ناتوانی در سازگاری با محیط جدید و تداخل فرهنگ‌ها، کاهش سطح تحمل اجتماعی و حضور در محیط‌های اجتماعی پرتنش خصوصاً در شهرهای بزرگ از عوامل مهم و موثر در افزایش نزاع در سطح جامعه است که منجر به پیامدهایی مانند اخلاخ در نظم عمومی، گسترش روحیه انتقام جویی، تهدید احساس امنیت عمومی و در نتیجه کاهش احساس امنیت می‌گردد که این شاخص‌های مهم معمولاً در سیاست‌های کنترلی و پیشگیرانه مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرند. در حالی که ضرب و جرح و نزاع از آمار رسمی در اکثر استان‌های کشور در زمره ۵ جرم اول قرار دارد لیکن در قوانین کیفری به این‌گونه جرایم تنها در مقررات مربوط به قصاص و دیات و برخی جرایم تعزیری (مانند مواد ۶۱۴، ۶۱۵ و ۶۱۷) پرداخته شده است و در سطح پیشگیری سیاست‌های قضایی در ابتدای راه قرار دارد.

در این خصوص باید به ابلاغ دستورالعمل رئیس قوه قضاییه با موضوع تشکیل کمیته خشونت در دادگستری‌های سراسر کشور برای کاهش آمار جرایم مربوط به خشونت اشاره کرد. کمیته مرکزی در سال ۱۳۹۴ در معاونت اجتماعی و پیشگیری از قوه قضاییه تشکیل شده است که در راستای نظارت و هم‌افزایی با کمیته‌های استانی و همچنین انجام پروژه‌های مشترک با دانشگاه‌ها اقدام می‌نماید و بایستی اثرات اقدامات کمیته‌های فوق در آمارهای سال‌های آینده مورد ارزیابی پژوهش‌گران عدالت کیفری قرار گیرد.

از دیگر جرایم خشونت‌آمیز جرم اخاذی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ نیز در این قسمت قابل ذکر است؛ در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، ماده ۶۱۷ جرم اخاذی را بدین شکل جرم‌انگاری کرده است: «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد

۱. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه: «خشونت در زمره ۱۰ جرم نخست کشور است. اگرچه باید با افراد مجرم برخورد قانونی کرد اما راهکارهای فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از خشونت، می‌تواند در پیشگیری و کنترل بسیاری از جرایم دیگر نیز موثر باشد. جرایم به سمت برخورد‌های پرخطر و آسیب‌زننده تغییر مسیر داده است، از این رو لازم است به این موضوع به عنوان یک آسیب اجتماعی توجه بیشتری شود... این افزایش آمار آسیب‌رسان است و علت آن چیزی جز ضعف اقدامات پیشگیرانه نیست. در این مدت دستگاه‌های مسئول نه تنها اقدامات پیشگیرانه را انجام ندادند بلکه ابزار لازم برای انجام آن‌ها را هم در اختیار نداشتند، در کنار همه این‌ها خودشان را هم ملزم به انجام اقدامات پیشگیرانه نمی‌دانستند...»؛

روزنامه حمایت؛ ۱۳۹۴/۷/۶ به نشانی:

(۸۷۱) HTTP://WWW.HEMAYATONLINE.IR/TEXTVERSIONDETAIL

یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» آمار این جرم خشن در دستگاه قضایی در ورودی پرونده و قرار مجرمیت نیز قابل توجه است و در مقایسه با سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۳ این جرم نزدیک به ۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد:

عنوان	۹۱	۹۲	۹۱-۹۲	۹۳	۹۲-۹۳
ورودی اتهام	۱۲۴۷۵	۱۱۵۷۶	-۷,۲۱	۱۲۶۵۵	۹,۳۲
قرار مجرمیت	۷۶۲	۷۶۰	-۰,۲۶	۸۲۵	۸,۵۵

آمار قضایی جرم اخاذی

با وجود تأکیدات مقامات عالی قضایی در خصوص این قبیل مجرمین، آمارها در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل خود، رشد ۸/۵ درصدی آن را نشان می‌دهد.

نوسان آمار ورودی اتهام و قرار مجرمیت این جرم طی سال‌های ۹۱ تا ۹۳ می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. از آن جایی که این جرم در سطح علنی جامعه واقع می‌شود؛ حضور مأموران انتظامی در نقاط کم‌تردد و جرم خیز می‌تواند در کاهش آمار این جرم مؤثر باشد؛ یکی از عوامل اختلاف ورودی اتهام با قرار مجرمیت می‌تواند ناشی از وقوع جرایم دیگر مشدده در زمان ارتکاب جرم اخاذی باشد چراکه اگر جرم اخاذی منجر به جرایم دیگر همچون قتل و سرقت، ضرب و جرح شود و احتمال ثبت این جرایم به جای جرم اخاذی وجود خواهد داشت و موجب پایین آمدن تعداد قرارهای مجرمیت این جرم نسبت به ورودی اتهام آن گردند.

ب) رقم جرایم علیه اموال

در رابطه با جرایم علیه اموال، آمار جرم سرقت می‌تواند در این پژوهش مورد بررسی باشد چراکه چنانچه سرقت با عنف یا مسلحانه صورت گیرد از جمله جرایم خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. آمار نیروی انتظامی در زمینه سرقت به دلیل تفکیک جرم به لحاظ شکل و نحوه ارتکاب از دقت بالاتری نسبت به دیگر نهادهای کیفری برخوردار است. باید متذکر شد که نیروی انتظامی با تشکیل قرارگاه مقابله با سرقت در سال ۱۳۹۳ به طور ویژه طرح مقابله با سرقت خصوصاً سرقت‌های خرد را با برنامه و نیروهای ویژه‌ای آغاز کرده است. آمارهای نیروی انتظامی در خصوص سرقت به سرقت از تلافروشی، بانک، مغازه، منزل، اتومبیل، موتورسیکلت، کیف‌قاپی و سایر سرقت‌ها تقسیم شده است. اگرچه در این تقسیم‌بندی، سرقت‌های خشن طبقه‌بندی مشخصی ندارند ولی می‌توان سرقت‌هایی از قبیل تلافروشی، بانک و کیف‌قاپی را از جمله مصادیق بارز جرم خشونت‌آمیز محسوب کرد.^۱

اولین نکته‌ای که در نگاه اول به آمار نیروی انتظامی به نظر می‌رسد مکفی نبودن دسته‌بندی فوق در نمایش اقسام سرقت‌های ارتكابی در جامعه است. چراکه ۶۴ درصد از سرقت‌ها تحت عنوان (سایر سرقت‌ها) دسته‌بندی گردیده است. سرقت از تلافروشی‌ها در طی ۳ سال گذشته کاهش چشم‌گیری را نشان

۱. جدول آمار پلیس در دوره ۴ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ و از سال ۱۳۹۳ تاکنون در دسترس است که پژوهش‌گران این حوزه را به مؤلف ارجاع می‌دهیم.

می‌دهد. در کاهش حدود ۴۰ درصدی این جرم در سال ۹۳ عوامل گوناگونی می‌تواند دخیل باشد. نیروی انتظامی از ابتدای سال ۱۳۹۳ مقابله با سرقت را اولویت اول خود اعلام کرد و با این ادعا که جرایم دیگر به جز سرقت در ۱۰ سال گذشته نوسانی نداشته است، با تشکیل قرارگاه مقابله با سرقت اقدامات هدف‌مندی را در این رابطه آغاز نمود؛ اقداماتی اعم از نصب دوربین‌های امنیتی، برقراری نظارت پست‌های نگهبانی ضابطین بر این اماکن، ارتباط برخط مراکز چوون تلافروشی‌ها با کلانتری‌های محل در این خصوص از جمله عواملی است که می‌تواند بر کاهش این جرم مؤثر باشد.

اما به همان نسبت در سال ۱۳۹۳، سرقت از بانک‌ها با بیش از ۴۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل خود، رقم قابل توجهی رانشان می‌دهد. یکی از دلایل این افزایش عدم پایبندی سیستم بانکی به استفاده از امکانات مراکز خدماتی و حفاظتی و مراقبتی نیروی انتظامی است که مسئولین بانکی کشور استفاده از بیمه بانک‌ها را از دلایل عدم تمایل به استفاده هزینه‌بر از مراکز خدماتی نیروی انتظامی عنوان می‌کنند. حتی در برخی مصاحبه‌ها مشخص شد که در مقاطعی بانک‌ها به علت ترس از بی‌اعتباری، برخی سرقت‌ها را به مراجع پلیسی و قضایی اعلام نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند از گزینه بیمه برای جبران خسارات خود استفاده کنند.

سرقت‌هایی همچون سرقت از تلافروشی‌ها و یا سرقت از بانک‌ها نوعاً با شدت عمل و خشونت همراه است به طوری که بیش از دیگر اقسام سرقت موجب برهم خوردن احساس امنیت و آرامش عمومی می‌شود.

ج) رقم جرایم منافی عفت

تجاوز جنسی، نوعی از رابطه جنسی است که با عدم رضایت و خواست قربانی همراه است. به موجب بند ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حد زانی به عفت یا اکراه، اعدام است. مقنن در تبصره ۲ این ماده، برقراری رابطه جنسی در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی و همچنین زنا از طریق اغفال و فریب دختر بالغ و یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن را نیز در حکم عفت تلقی کرده است. اثبات وقوع هر یک از حالات زیر به عهده شاکی است؛ چراکه اگر این عمل در حالت فوق‌اتفاق بیفتد تجاوز محسوب نمی‌شود و البته در این امر نوع برخورد قضات با شرایط و اوضاع و احوال پرونده بسیار مهم است.

عنوان	۹۱	۹۲	۹۱-۹۲	۹۳	۹۲-۹۳
ورودی اتهام	۵۳۸۰	۵۲۵۰	-۲,۴۲	۶۲۰۶	۱۸,۲۱
قرار مجرمیت	۳۹۰	۴۲۹	۱۰	۴۴۵	۳,۷۳

آمار قضایی تجاوز جنسی

صدور قرار مجرمیت برای پرونده‌های تجاوز به عفت در طول ۳ سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ روند نسبتاً ثابتی داشته است و از رقم ۷ درصد در سال ۹۱ به رقم ۸ درصد در سال ۹۲ افزایش داشته و سپس در سال ۹۳ دوباره به ۷ درصد رسیده است.

۱. خبرگزاری مهر به نشانی:

۲۲۹۵۲۴۵/WWW.MEHRNEWS.COM/NEWS

البته آمارهای ارائه شده تنها شامل موارد گزارش شده به دادگاه‌ها و نیروهای انتظامی است و بی‌شک ارقام واقعی متفاوت از گزارش‌های ارائه شده است؛ چراکه به عنوان مثال تعداد زیادی از قربانیان تجاوز به عنف به دلیل حفظ آبرو شکایت خود را در این زمینه ثبت نمی‌کنند و بسیاری از کسانی که شکایت خود را به پلیس اعلام می‌کنند در مراحل دادگاه از پیگیری شکایت خود به دلایل مختلف و از جمله تأمین مالی از سوی شاکی منصرف می‌شوند.

در خصوص پرونده‌های تجاوز به عنف و تفاوت آشکار آمار اتهامی و مجرمیت می‌توان دلایل مختلفی را برشمرد؛ در قانون مجازات اسلامی سرفصل مشخصی تحت عنوان جرایم جنسی وجود نداشته و در این زمینه با خلأ قانونی مواجه هستیم. اگر چه مواردی تحت عنوان زنا، لواط و اعمال منافی عفت وجود دارد ولی جرایم جنسی به شکل خاص و یک‌جا در قانون به رسمیت شناخته نشده است. خلأهای قانونی و اینکه در این خصوص عناوین مجرمانه مشخصی وجود ندارد، باعث می‌شود که به شکایت قربانیان بعد از ثبت شکایت به شکل ویژه و خاص رسیدگی نشود. به نظر می‌رسد در این زمینه به دلیل حساسیت موضوع، تصور قانون‌گذار این بوده است که اگر عنوانی مجزا در این خصوص وجود داشته باشد به معنای به رسمیت شناختن این جرایم است.

در حال حاضر در ظرفیت قانون آیین دادرسی کیفری و در ماده ۱۰۲ قانون، رسیدگی به جرایم منافی عفت مطرح شده است. به موجب این ماده «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود»؛ بنابراین تحقیقات جنایی در این جرایم موکول به شکایت شاکی خصوصی است و تا شاکی خصوصی نباشد تحقیقات جنایی آغاز نمی‌شود.

این ماده، تبصره و ظرفیت‌هایی برای صلح و سازش را به همراه دارد و قربانی جرایم جنسی می‌تواند صلح و سازش را هم بررسی کند؛ به هر حال این تلقی که اگر سرفصلی مجزا برای این جرم در نظر گرفته شود، قبح این اعمال از بین می‌رود مدنظر باشد، به طور قطع این استدلال پذیرفته نبوده و بلکه به ضرر قربانیان جرایم است.

با بررسی وضعیت رسیدگی به پرونده‌های تجاوز به عنف علیرغم اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد در حال حاضر رسیدگی رسمی و رسیدگی در سیستم دادگستری به جرایم جنسی وضعیت مطلوبی ندارد. حتی مدعیان و قربانیان واقعی توان اثبات جرم را در نهادهای رسمی ندارند.

نقد دیگری به قانون مجازات و آیین دادرسی در این زمینه وجود دارد که دادسرا از رسیدگی به جرایم منافی عفت منع شده است. این مسئله مشکلاتی از جمله اینکه قربانی از حمایت دادستان و دادسرا برخوردار نباشد، را به همراه دارد. لذا قربانی باید مستقیماً به دادگاه کیفری یک رفته و پیش تعدادی از قضات مرد ثابت کند که به وی تجاوز شده است و همین مسئله هم باعث شده است که بسیاری از قربانیان از بیان واقعه و جزئیات آن منصرف شوند.

در خصوص مجازات نیز، بسیاری از تجاوزها منجر به صدمات جسمی نیست و اثبات آن سخت است.

در برخی از موارد افراد به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند و احراز عنف اثبات می‌شود و گاهی هم مشاهده می‌شود که دادگاه کیفری حاضر به احراز عنف نیست چرا که اگر احراز به عنف ثابت شود، باید حکم دادگاه اعدام باشد. اگر قانون‌گذار شکل خاصی از تجاوز را مستوجب اعدام می‌دانست و قضاات آن را به رسمیت می‌شناختند، مسئله مجازات‌ها و صدر مجازات‌های متنوع می‌توانست شرایط بهتری را فراهم آورد. از سوی دیگر برداشت و تعریف عنف در محاکم کیفری، زنانه نیست و با این وضعیت بسیاری از قربانیانی که به آن‌ها تجاوز شده است، در معرض روابط نامشروع قرار می‌گیرند و چون روابط جنسی را مبتنی بر رضایت می‌دانند، جرم، جنسی محسوب می‌شود و در این راستا سیاست قانون‌گذار بر بزه پوشی است.

تعزیری که در جرایم جنسی مطرح است به هیچ وجه مسئولیت‌پذیری را برای بزه کار به همراه نمی‌آورد. در مجازات این جرایم، شلاق مطرح است که به هیچ وجه جبران خسارت نمی‌کند و از سویی هم اهداف کیفری را محقق نمی‌کند. به عبارت دیگر در جرایم جنسی پاسخ‌های قانون سفید و سیاه تعریف شده است؛ پاسخ تعزیری قانون، یا اعدام یا شلاق است و به هیچ عنوان ایجاد مسئولیت نمی‌کند و به نظر می‌رسد که این قسمت از قانون مجازات، متناسب با سایر بخش‌های قانون پیش نرفته است و قانون‌گذاری مسئولانه نیست. بسیاری از پرونده‌های تجاوز به علت فریب دادن در ازدواج است و معمولاً در تقنین جرایم جنسی اگر رضایت به برقراری رابطه جنسی از طریق فریب باشد، به نوعی جرم تجاوز رخ داده است. لذا با توجه به موارد فوق اولاً در این زمینه با تقنین ضعیفی روبرو هستیم و از سوی دیگر در نتیجه این نوع قانون‌گذاری مراجع قضایی نیز در احراز عنف با حالت تدافعی برخورد می‌کنند.

ورودی و یا موجودی پرونده در سیستم مدیریت پرونده قوه قضاییه، گزارش‌های واصله به پلیس در آمارهای ناجا و همچنین بررسی موارد واصله به سازمان پزشکی قانونی (اعم از جسد و یا مراجعه‌کننده) تنها آمار فراوانی شکایات و گزارشات جرایم را نشان می‌دهد و البته میزان ارتکاب واقعی جرم را نشان نمی‌دهد و در نتیجه این آمار تنها می‌تواند میزان نرخ ورودی پرونده‌های اتهامی و میزان مراجعه مردم به نهادهای عدالت کیفری را بازگو کند.

مقایسه بین ورودی پرونده‌های جرایم خشونت‌آمیز و قرارهای مجرمیت نشان‌دهنده آن است که اگر چه در برخی از این نوع جرایم همچون سرقت مسلحانه از بانک با رشد ۳۷ درصدی در سال‌های اخیر مواجه بوده‌ایم لیکن در اکثر جرایم خشن همچون ضرب و جرح، سرقت، اخاذی، تجاوز جنسی و حتی قتل، آمارها با رشد اندک و حداکثر ۱۰ درصدی قرارهای مجرمیت نشان می‌دهد. اگر چه در برخی از جرایم همچون سرقت مسلحانه از طلافروشی‌ها کاهش ۳۹ درصدی قرارهای مجرمیت را نشان می‌دهد ولی ورودی پرونده‌هایی همچون ضرب و جرح، توهین و تهدید در ده عنوان بالای اتهامی کشور دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد آن چه در این میان مغفول مانده است بررسی علمی ارتباط آمارهای فوق با اقدامات و سیاست‌های جنایی اعم از پلیسی و قضایی است. به عبارت دیگر مشخص نیست کاهش آمار در یک سال و یا افزایش بی‌رویه جرمی مانند سرقت در مقطع زمانی مشخصی به واسطه چه علل و سیاست‌هایی رخ داده است و آیا اتخاذ سیاست‌های کنترلی و پیشگیرانه و یا تصویب قوانین جدید توانسته است بر این آمار تأثیر معناداری داشته باشد یا خیر. اگر چه در آمارهای ارایه شده توسط سازمان زندان‌ها خصوصیات محکومین با جزییات و دقت ثبت شده است لیکن پژوهشی که در این زمینه ارائه دهنده تحلیل‌های زمینه‌های ارتکاب جرم و ارتباط آن با آمارهای ارائه شده خصوصاً در جرایم خشن باشد و نتایج آن در تحلیل‌های ارائه شده مورد توجه قرار گرفته و در تعیین سیاست‌های بعدی راه‌گشا باشد به ندرت دیده می‌شود.

اعمال و تأثیرگذاری سیاست‌های کیفری تقنینی و قضایی به عوامل دیگری نیز وابسته است که در جرایم خشونت‌آمیز این مسأله بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که بدون توجه به این عوامل زمینه‌ای، نمی‌توان به صرف تصویب و یا اجرای سیاست‌ها به تأثیر معنادار آن‌ها در آمار امید داشت؛ وجود و یا تصویب قوانین کیفری ناقص و یا ناکافی و یا طرح‌های مختلف قانونی که هر کدام به دلیل نقص‌ها و تعارض‌های مختلف به تصویب نمی‌رسند، عدم دسترسی کامل به عدالت در روند رسیدگی قضایی، عدم جبران خسارت کامل بزه‌دیدگان، عدم تعیین مجازات‌های بازدارنده، روبه طولانی‌رسیدگی‌ها، عدم تعیین مجازات‌های متناسب با عمل ارتكابی، عدم وجود مجازات‌های قابل انعطاف بسته به موضوع و شرایط و اوضاع و احوال جرم و خسارات وارده به بزه‌دیده و میزان تقصیر وی، عدم تمایل دادگاه‌ها به صدور احکام اعدام در قبال برخی جرایم همچون تجاوز جنسی و عدم توجه به عوامل مختلف زمینه‌ای و اجتماعی که بسترو وقوع جرم را فراهم می‌آورد، هر یک می‌تواند نتیجه سیاست‌های موجود را بی‌اثر نماید.

اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه و شدید در برابر جرایم خشونت‌آمیز، چه در ادبیات جنایی مسئولان

نهادهای عدالت کیفری اعم از پلیسی و قضایی و چه در صدور بخشنامه‌ها، تنها در مرحله واکنش جرم است و حد اکثر تنها در زمینه پیشگیری‌های کیفری می‌تواند راهگشا باشد؛ این در حالی است که آمارهای رسمی نشان‌گر تأثیر قابل توجه عوامل دیگری همچون سن و تحصیلات و داشتن سابقه کیفری در احتمال وقوع جرایم فیزیکی و خشن در آینده است. به عبارت دیگر هرچند همواره دستگاه پلیسی و قضایی بر مقابله شدید با جرایم خشن تأکید داشته‌اند لیکن عوامل مورد توجه سیاست‌های کیفری تنها شامل دوره پسینی جرم بوده و عوامل پیشینی و مهیاکننده جرم حداقل در عمل تاکنون مؤثر نبوده است.

در نهایت باید یادآور شد تفاوت نحوه ثبت و عناوین مجرمانه مختلف در نظام آمار پلیسی، قضایی، پزشکی قانونی و سازمان زندان‌ها موجب می‌شود که نتوان مبنای سیاست‌های کیفری و جنایی و همچنین راهبردهای جدید را بر اساس آمار کنونی بنا نهاد. در کنار این عوامل باید به فقدان روش‌های اتقان آماري همچون برگزاری پیمایش‌های بزه‌دیدگی اشاره کرد که در سیستم‌های رسمی آماري به عنوان حلقه مفقوده شناخته می‌شود.